

کاربرد فلسفه و روش‌شناسی علوم انسانی در سیاست‌گذاری علمی کشور

همان‌گونه که مستحضرید، فصلنامه‌ی حوزه و دانشگاه به منظور تمهید مقدمات بخشی از اهداف مندرج در سند چشم‌انداز بیست‌ساله‌ی کشور (کسب رتبه‌ی اول علمی در منطقه با حفظ هویت اسلامی و انقلابی و در نظر داشتن مقتضیات تاریخی و فرهنگی) و با عنایت به ضرورت توجه به مبانی نظری علوم مختلف، به‌خصوص علوم انسانی و اجتماعی، از تابستان ۱۳۸۵ رسالت ویژه‌ای را برای گسترش و تعمیق مباحث فلسفه و روش‌شناسی علوم انسانی، در جامعه‌ی علمی کشور بر عهده گرفته است و هم‌زمان اخذ مجوز علمی پژوهشی در این حوزه را در دستور کار خود قرار داد.

از همان آغاز، بسیاری از استادان و صاحب‌نظران دانشگاهی، ضمن ضروری شمردن پرداختن به این موضوع در جامعه‌ی دانشگاهی، به انگشت‌شمار بودن استادان و پژوهشگران فعال و علاقه‌مند به این بحث اشاره کردند و آینده‌ی این راه را تاریک و پیمودن این مسیر را دشوار می‌دانستند. به منظور ارزیابی این اظهار نظرها، با مراجعه به پایگاه اطلاع‌رسانی کتابخانه‌ی منطقه‌ای شیراز و جهاد دانشگاهی، لیستی از مقالات علمی-پژوهشی که در پنج سال اخیر، در این زمینه منتشر گردیده بود را جمع‌آوری کرده، با تحلیل آن به این نتیجه رسیدیم که ناچیز انگاشتن فعالیت‌های انجام شده در حوزه‌ی فلسفه و روش‌شناسی علوم انسانی عمدتاً، معلول پراکندگی این مقالات در نشریات مختلف است. بررسی‌های دیگر این نکته را بر ما آشکار کرد که فقدان یک نشریه‌ی علمی-پژوهشی که به صورت کاملاً تخصصی، به مباحث بنیادی علوم انسانی و اجتماعی پردازد، انگیزه‌ی استادان دانشگاهی را برای فعالیت در این زمینه کاهش داده است و چنانچه نشریه‌ای تخصصی در این زمینه، پا به عرصه‌ی نشریات علمی-پژوهشی بگذارد، می‌تواند از حمایت استادان بسیاری بهره‌مند گردد. با انجام این

بررسی‌ها فصلنامه‌ی حوزه و دانشگاه، بیش از پیش، در تداوم رسالت جدید خود اصرار ورزید و پس از تمهید مقدمات لازم، در سه شماره‌ی ۴۷ تا ۴۹، شماره‌های ۵۰ تا ۵۲ خود را که واجد شرایط مندرج در آیین‌نامه‌ی نشریات علمی بود، در تاریخ ۱۳۸۶/۸/۱۶، برای ارزیابی به کمیسیون بررسی نشریات علمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری فرستاد. بحمدالله، نشر چندین شماره در موضوع روش‌شناسی علوم انسانی توجه استادان دانشگاهی را به این نشریه و موضوع آن جلب کرد، به گونه‌ای که برخی نشریات علمی- پژوهشی دیگر نیز اقدام به تهیه‌ی ویژه‌نامه‌هایی در موضوع روش‌شناسی علوم انسانی کردند. به هر روی، پس از یک سال پیگیری، اخیراً، نتایج ارزیابی داوران محترم، به صورت شفاهی، به دفتر فصلنامه اعلام گردید و امیدواریم هر چه زودتر، مجوز علمی- پژوهشی فصلنامه صادر گردد که علی‌الاصول، مطابق آیین‌نامه‌ی جدید تعیین اعتبار نشریات علمی کشور (مصوب ۱۳۸۶/۱۲/۱) سه شماره‌ی داوری شده مشمول حکم علمی- پژوهشی خواهد بود.

بی‌شک، وجود چنین نشریه‌ی علمی- پژوهشی‌ای در کنار اجرای دقیق سیاست تخصصی‌کردن نشریات علمی- پژوهشی توسط کمیسیون بررسی نشریات علمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، زمینه‌ی لازم و کافی برای تجمیع مقالات علمی- پژوهشی استادان و پژوهشگران حوزه و دانشگاه، تقویت روزافزون کیفیت مقالات این فصلنامه، گسترش حوزه‌ی فعالیت فصلنامه به تحلیل فلسفی و روشی برنامه‌ها و سیاست‌های علمی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور را فراهم خواهد آورد.

در اینجا لازم است از تمامی استادان و پژوهشگران حوزوی و دانشگاهی که در این دو سال، با ارسال مقالات ارزشمند خود و اظهارنظرهای دلگرم‌کننده، مشوق ما در ادامه‌ی این راه بودند، کمال تشکر و قدردانی را داشته، از آنها تقاضا کنیم که این فصلنامه را در ادامه‌ی رسالتی که در پیش گرفته است، بیش از پیش یاری دهند.

از سوی دیگر، توجه استادان و پژوهشگران حوزه و دانشگاه را به این نکته جلب می‌کنیم که فرا رفتن از مباحثی که در مقالات این نه شماره‌ی روش‌شناسی علوم انسانی به آن پرداخته شده، مستلزم آشنایی بیشتر با مباحثی است که می‌تواند تحت عنوان فلسفه و روش‌شناسی علوم انسانی مطالعه شود. مراجعه‌ای به مقالات منتشر شده در این موضوع، در عرصه‌ی بین‌المللی نشان‌دهنده‌ی این موضوع است که تأملات فلسفی،

مفهومی و روشی درباره‌ی اندیشه‌های رایج و برنامه‌ها و سیاست‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، یک فعالیت کاملاً فلسفی و دانشگاهی قلمداد می‌شود. خوشبختانه در سال‌های اخیر، موضوعات فراوانی در کشور مطرح شده و زمینه‌های کاملاً مساعدی را برای گسترش و تعمیق بررسی‌های فلسفی و روشی، در جامعه‌ی علمی فراهم آورده است.

درباره‌ی سند چشم‌انداز بیست‌ساله‌ی کشور مسائل چندی، در سرمقاله‌ی شماره‌ی پنجاه فصلنامه مطرح شد؛ برای مثال مفهوم توسعه چیست؟ توسعه‌ی مطلوب چه ابعادی دارد؟ به‌طور خاص، توسعه‌ی علمی به چه معناست؟ ملاک توسعه‌ی علمی یک کشور چیست؟ آیا ابعاد مختلف هویت اسلامی و انقلابی و اقتضانات تاریخی و فرهنگی کشور، به دقت شناسایی شده که بتوان آن را راهنمای توسعه‌ی علمی کشور دانست؟ آیا توسعه‌ی علمی، به صورت طبیعی، با حفظ هویت اسلامی و انقلابی همراه است؟ تاریخ علم در این زمینه، چه اطلاعاتی را به ما می‌دهد؟ آیا توسعه‌ی علمی و حفظ هویت اسلامی و انقلابی، به سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی واحدی نیاز دارد؟ آیا برای تحقق اهداف سند چشم‌انداز بیست‌ساله‌ی کشور هم‌سویی ظاهری میان علم و دین کفایت می‌کند؟ آیا تدوین علوم مبتنی بر معارف اسلامی و نیازهای بومی مورد نظر طراحان سند چشم‌انداز بوده است؟ لوازم فلسفی و روشی تحقق این هدف و زمینه‌های اجتماعی لازم برای آن کدام است؟ وظیفه‌ی مجمع تشخیص مصلحت نظام، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، مراکز آموزشی و پژوهشی وابسته به وزارت علوم و مراکز آموزشی و پژوهشی وابسته به حوزه‌های علمیه، در هم‌سویی توسعه‌ی علمی با هویت اسلامی و انقلابی چیست؟ و...

در خصوص نهضت نرم‌افزاری و تولید علم و کرسی‌های نظریه‌پردازی نیز سؤالات مفهومی، فلسفی و روش‌شناختی چندی قابل طرح است؛ معنای دقیق نوآوری و نظریه‌پردازی چیست؟ چه زمانی می‌توان مدعی یک نوآوری علمی شد؟ چه خصوصیات روان‌شناختی و جامعه‌شناختی زمینه‌های نوآوری علمی را فراهم می‌آورند؟ آیا الگوی تعلیم و تربیت رایج در جامعه، قابلیت تقویت خصوصیات روان‌شناختی لازم برای نوآوری (برای مثال تفکر انتقادی، توانایی حل مسئله، خلاقیت و...) را دارد؟ آیا موقعیت اجتماعی لازم برای خلاقیت و نوآوری، در کشور فراهم آمده است؟ معنای

دقیق جامعه‌ی علمی و کارکردهای آن کدام است؟ آیا کشور ما، به معنای دقیق کلمه، واجد جامعه‌ی علمی است؟ و...

در مورد نقشه‌ی جامع علمی کشور نیز که با تلاش هزاران صاحب‌نظر حوزوی و دانشگاهی تهیه شده است، سؤالات متعدد مفهومی و روشی قابل بررسی است؛ برای مثال روش‌های مناسب برای جلب نظر صاحب‌نظران یک عرصه‌ی علمی یا اجتماعی کدام است؟ به‌طور خاص، بهترین روش برای تهیه‌ی نقشه‌ی جامع علمی کشور چیست؟ آیا در تهیه‌ی نقشه جامع علمی کشور، هر یک از مراحل، به دقت طی شده است؟ نمونه‌ای دیگر از این مباحث آنکه در مقدمه‌ی نقشه‌ی جامع علمی کشور آمده است: «مهم‌ترین نکته در ترسیم نقشه‌ی جامع علمی کشور، تبیین این امر خطیر است که عالی‌ترین هدفی که هدایت کلان نقشه را بر عهده می‌گیرد، چیست؟ طراحان نقشه بر این باورند که این هدف را در سه سطح می‌توان ترسیم کرد: سعادت و کمال همه‌جانبه‌ی بشری و قرب به پروردگار، تمهید مقدماتی برای احیا و توسعه‌ی تمدن اسلامی و جبران فاصله با کشورهای توسعه‌ی صنعتی». در مورد این بخش حساس از نقشه‌ی جامع علمی کشور، نکات چندی درخور توجه است؛ برای مثال تعریف دقیق سعادت و کمال همه‌جانبه‌ی بشری و ملاک‌های سنجش تقرب به پروردگار چیست؟ نسبت این هدف با جبران فاصله با کشورهای توسعه‌یافته‌ی صنعتی چیست؟ آیا تمامی ویژگی‌های کشورهای توسعه‌یافته‌ی صنعتی و رابطه‌ی میان آنها شناسایی شده است؟ کدام یک از این ویژگی‌ها برای طراحان نقشه‌ی جامع علمی کشور جذابیت بیشتری داشته است؟ ابعاد مختلف تمدن اسلامی کدام است؟ و... همچنین، در مقدمه‌ی نقشه‌ی جامع علمی کشور آمده است که اهم محورهایی که در طراحی نقشه، مورد تأکید قرار گرفته، عبارتند از: «دارا بودن مبانی و الگوی اسلامی و ایرانی، لحاظ کردن بینش فلسفی در تعریف پیشرفت، علم‌محوری به عنوان گفتمان مسلط جامعه، نگرش نظام‌مند به مقوله‌ی تولید علم و دانش و شکستن مرزهای آن، تبیین جایگاه علوم مختلف و...» که هر یک از این عناوین می‌تواند مباحث دقیق فلسفی و روش‌شناختی را به همراه داشته باشد؛ برای مثال ابعاد مختلف گفتمان علم‌محوری چیست؟ تبعات میان‌مدت و درازمدت تسلط گفتمان علم‌محوری در جامعه کدام است؟ تولید علم و شکستن مرزهای دانش به چه معناست و چه مصادیقی از آن را می‌توان در تاریخ علم نشان داد؟

آیین‌نامه‌ی تعیین اعتبار نشریات علمی کشور نیز محل مناسبی برای بررسی‌های مفهومی و روشی است؛ برای مثال در این آیین‌نامه، نشریه‌ی علمی- پژوهشی چنین تعریف شده است: «نشریه‌ای که مقاله‌های آن به آرایه‌ی یافته‌های جدید پژوهشی یا آرایه‌ی نظریه یا روش جدید در حل مسائل و توسعه‌ی علم می‌پردازد و جامعه‌ی علمی آن را پژوهشی تلقی می‌کند؛ اعم از پژوهش‌های بنیادی، کاربردی یا توسعه‌ای». در سند دیگری، وزارت علوم مقاله‌ی پژوهشی را چنین تعریف کرده است: «مقاله‌ای که به دنبال جست‌وجوی حقایق و کشف بخشی از معارف و نشر آن در میان مردم، به قصد حل مشکلی یا بیان اندیشه‌ای، در موضوعی از موضوع‌های علمی، از طریق مطالعه‌ی نظام‌مند، برای یافتن روابط اجتماعی میان پدیده‌های طبیعی به دست آید و از دو خصلت اصالت و ابداع برخوردار باشد و نتایج آن به کاربردها، روش‌ها، مفاهیم و مشاهدات جدید در زمینه‌ی علمی با هدف پیشبرد مرزهای علمی و فناوری منجر گردد، مقاله‌ی علمی- پژوهشی قلمداد می‌شود. مخاطبین اصلی این‌گونه مجلات پژوهشی، استادان دانشگاه‌ها، دانشجویان دوره‌های دکتری و کارشناسی ارشد، پژوهشگران شاغل در مراکز علمی، تحقیقاتی و تولیدی هستند». بدیهی است فهم دقیق مفاهیم و عبارات به کار برده شده در این اسناد، و اصلاح آنها و شناسایی روش‌های مناسب سنجش هر یک از معیارهای یاد شده در این آیین‌نامه، مستلزم بررسی‌های فلسفی و روشی است.

امید است این فصلنامه فرصت مناسبی برای پرداختن به این قبیل مباحث نظری، در جامعه‌ی علمی کشور فراهم آورد و بتواند با حمایت‌های بیش از پیش استادان و پژوهشگران حوزه و دانشگاه، در پیشبرد اهداف علمی مندرج در سند چشم‌انداز بیست‌ساله‌ی کشور، سهمی داشته باشد.